روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج) کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
سازمان آگهی‌ها: ۶۱۰۸۶۱۶۳ پیامک: ۱۰۰۰۲۲۳۱ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا
وطن امروز

پیامبر اعظم(ص): آنکه غذا کم خورد معده‌اش سالم می‌ماند و صفای دل می‌یابد. و هر که پرخور باشد معده‌اش بیمار و قلبش سخت می‌شود.

فاطمه بهبودی، نویسنده کتاب «پوتین قرمزها» در گفت‌وگو با «وطن امروز» از سختی‌های نگارش این اثر متفاوت ادبیات دفاع مقدس گفت

داستان اسارت فرماندهان ارشد بعثی

روایت بازجویی از قاتل شهدای غواص

عباس اسماعیل گل: این روزها سومین دوره مسابقه کتابخوانی «کتاب قهرمان» با محوریت کتاب «پوتین قرمزها» در حال برگزاری است. کتاب «پوتین قرمزها» نوشته فاطمه بهبودی به خاطرات مرتضی بشیری، مدیرمسؤول جنگ‌روانی قرارگاه خاتم‌الانبیا و مسؤول بازجویی از اسرای عراقی در ایران می‌پردازد. بهبودی در این خاطرات ابتدا مخاطب را با اهمیت خاطرات راوی آشنا می‌کند. او در فصل‌های نخست، بخشی از بازجویی‌های انجام شده را ثبت می‌کند و پس از آن، به زندگی فردی راوی و چگونگی ورود وی به جبهه و نقشش در جنگ تحمیلی می‌پردازد. از جذابیت‌های خاطرات بشیری، روایت جلسات بازجویی از نیروهای عراقی است؛ گاه در خلال این خاطرات، مطالب خواندنی از اتفاقات تاریخی نقل می‌شود که فجایع رخ داده در جنگ تحمیلی را بیشتر نمایان می‌کند. از جمله این موارد، بخشی است که به بازجویی از محمدرضا جعفر عباس الجشعمی، سرهنگ دوم نیروی مخصوص، فرمانده تیپ کماندویی سپاه هفتم بعثی‌ها و حضور او در ام‌الرصاص اختصاص دارد. به همین بهانه با فاطمه بهبودی، نویسنده «پوتین قرمزها» گفت‌وگو کرده‌ایم.

***

■ چه شد تصمیم گرفتید سراغ نگارش این اثر بروید؟ آیا خودتان سوژه را انتخاب کردید یا از طرف ناشر این کار به شما سپرده شد؟

اگر بخواهم به طور خلاصه درباره روندی که برای نگارش کتاب «پوتین قرمزها» طی شده، صحبت کنم باید بگویم سال ۹۳ بود که آقای سرهنگی، مدیر دفتر ادبیات و تحقیقات پایداری حوزه هنری پیشنهاد تالیف خاطرات آقای مرتضی بشیری را به من دادند. پیش از مطرح کردن این پیشنهاد به بنده، مصاحبه‌ای انجام شده بود و ماحصلش حدود ۵۰-۴۰ صفحه متن شده بود. با این حال من از آقای سرهنگی خواستم که خودم شخصا با آقای بشیری مصاحبه کنم که ایشان قبول کردند و بعد از یک سال نتیجه آن شد همین کتاب «پوتین قرمزها».

البته همان‌طور که می‌دانید، آقای مرتضی بشیری مدیر جنگ روانی ایران و عراق از سال ۱۳۶۵ تا پایان جنگ در قرارگاه خاتم‌الانبیا بوده است. حلقه وصل آقای سرهنگی و آقای بشیری هم به ارتباط این ۲ در قرارگاه خاتم‌الانبیا بازمی‌گردد؛ زمانی که جناب سرهنگی به‌عنوان خبرنگار روزنامه جمهوری در اردوگاه اسرای عراقی حضور داشتند. راوی کتاب «پوتین قرمزها» سابقه‌ای قریب به ۳ دهه فعالیت سیاسی در وزارت امور خارجه دارد. وی پیش از حضور در جبهه، با پست کارداری سفارت جمهوری اسلامی ایران در برزیل خدمت کرده است و پس از آن کاردار ایران در سومالی و بعدتر سفیر کشورمان در تانزانیا، روآندا و بروندی و مدتی بعد سفیر موزامبیک بوده است.

■ آقای بشیری در دوران کاری‌اش در دوران دفاع مقدس به غیر از مسؤولیتش در قرارگاه خاتم‌الانبیا، در بخش‌های دیگری هم مشغول به خدمت بوده است که به نظر می‌رسد در این کتاب سعی شده زیاد به آنها پرداخته نشود و بیشتر بر همان خاطرات او از بازجویی‌ها و فعالیت به عنوان مسؤول جنگ روانی متمرکز شود؛ دلیل این تصمیم چه بوده است؟

آقای بشیری از دی‌ماه سال ۶۵ به قرارگاه خاتم‌الانبیا پیوستند و طبیعتا تا پایان جنگ تحمیلی ۲ سال هم نمی‌شود اما بنده به خاطر اهمیت فعالیت ایشان در این ۲ سال به این موضوع پرداختم. از سوی دیگر بنده این کتاب را به سفارش دفتر ادبیات و تحقیقات پایداری حوزه هنری نوشتم که رویکرد اصلی این دفتر پرداختن به دوران جنگ ۸ ساله است و طبیعتا باید درباره خاطرات و رویدادهای خاصی که برای آقای بشیری در دوران جنگ تحمیلی روی داده بود، می‌نوشتم.

البته ناگفته نماند اشاراتی به گذشته آقای بشیری در کتاب «پوتین قرمزها» شده است که به شخصیت‌پردازی در نگارش کمک می‌کند. لازم دیدم حالا که قرار است درباره جنگ روانی صحبت کنم، اطلاعاتی درباره اینها بدهم که راوی در چه محیطی بزرگ شده است و پرورش‌یافته چه خانواده‌ای است، نوجوانی و سال‌های نخست جوانی خود را چگونه گذرانده است و در سال‌های قریب به انقلاب به چه کاری مشغول بوده است.

■ چند ساعت مصاحبه برای نگارش کتاب داشتید؟

دقیقا خاطرم نیست که چند ساعت مصاحبه کردم.

■ آیا خاطره‌ای از میان آنچه راوی نقل کرده اما به دلایل امنیتی نتوانستید در کتاب روایتش کنید، در ذهن‌تان است که برای‌مان بگویید؟

طبیعتا یکسری مباحث را به دلایل امنیتی نتوانستم در کتاب بیاورم، البته از آنجا که قریب ۴۰ سال از جنگ گذشته، روایت برخی مطالب مشکلی نداشت اما به واقع یکسری مطالب است که به لحاظ زمانبندی حتی پس از گذشت ۴۰ سال هم هنوز بار اطلاعاتی و امنیتی دارد و بازگو کردن آن شدنی نیست. به هر حال بنده هیچ اصراری برای انتشار مطالب اطلاعاتی در کتاب نداشته‌ام و تمام تلاش خود را کردم باتوجه به داشته‌هایم کتابی خواندنی بنویسم.

■ کتاب در پایان هر فصل، پی‌نوشت‌هایی غنی و خواندنی دارد؛ چه شد که تصمیم گرفتید چنین بخشی در کتاب داشته باشید؟ چون معمولا پی‌نوشت کتاب‌ها مختصر است و به شکل خلاصه به توضیح برخی موضوعات مهم می‌پردازد ولی شما در این کتاب به شکلی مفصل در پی‌نوشت هر فصل موضوعاتی که مدنظر داشتید را توضیح داده‌اید.

این کتاب از پی‌نوشت‌های زیاد بهره برده است و آن هم به این دلیل که بنده قبل از اینکه داستان‌نویس و بعد مستندنگار باشم، یک پژوهشگر هستم و اساس کارم را با پژوهشگری آغاز کردم و «پژوهش» مدار بودن مطالبی که ارائه می‌کنم همیشه برایم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نکته دیگر آنکه اطلاعات چندانی درباره موضوع جنگ روانی در منابع مدون وجود ندارد تا جایی که به نظرم رسید اطلاعات ارائه شده در این کتاب می‌تواند به عنوان منابع ردیف اول برای محققان نیز مثمرثمر باشد چون در زمان جنگ، واحد «جنگ روانی» برای نخستین‌بار شکل گرفته بود. طبیعتا شکل‌گیری و نحوه مواجهه مدیر جنگ روانی ایران و عراق با مضامین پیش‌رو در جنگ می‌تواند برای محققان و پژوهشگران مفید باشد و برای آنکه ارائه این اطلاعات به متن لطمه وارد نکند و کار از شکل داستانی خود خارج نشود، این موارد را در قالب پی‌نوشت آوردم که هم لطمه‌ای به وجهه داستانی کتاب وارد نشود و هم آنکه بتواند یک منبع درباره «جنگ روانی» در دوران جنگ تحمیلی باشد.

در زمان جنگ، واحد «جنگ روانی» برای نخستین بار شکل گرفته بود. طبیعتا شکل‌گیری و نحوه مواجهه مدیر جنگ روانی ایران و عراق با مضامین پیش رو در جنگ می‌تواند برای محققان و پژوهشگران مفید باشد و برای آنکه ارائه این اطلاعات به متن لطمه وارد نکند، این موارد را در قالب پی‌نوشت آوردم

■ بازگردیم به داستان کتاب «پوتین قرمزها»؛ این کتاب دقیقاً چه مقطع زمانی دوران دفاع‌مقدس را روایت می‌کند؟

جریان و اتفاقات کتاب پوتین قرمزها مربوط به عملیات کربلای ۴ و ۵ است. فصل‌های ابتدایی مشتمل بر روایت و حاوی ماجرای قسمتی از بازجویی‌های آقای بشیری از افسران ارشد عراقی در اردوگاه‌های ایرانی است. در خلال روایت از اسرای عراقی به زندگی شخصی راوی و نحوه ورودش به جبهه و نقش او به عنوان یک بازجوی امنیتی در دوران جنگ تحمیلی پرداخته شده است. یکی از بخش‌های کتاب که اتفاقا بخش جذاب و مفصلی هم هست، مربوط به خاطرات سرهنگ جشعمی است. این سرهنگ، فرمانده تیپ کماندویی سپاه هفتم عراق بوده که به جزیره ام‌الرصاص پاتک می‌زند. جشعمی بعد از دستگیری و اسارت توسط نیروهای ایرانی به دلیل مصدومیت تحت مداوا قرار می‌گیرد تا جایی که به دستور پزشک و در کنار داروهایی که مصرف می‌کرده، برایش به صورت اختصاصی و روزانه شیر تهیه می‌شده تا روند درمان بیماری‌اش کامل شده و سلامتی‌اش را به دست آورد. نکته قابل تأمل آنکه این فرمانده پاتک‌کننده به ام‌الرصاص بوده که باعث به شهادت رساندن مظلومانه نیروهای غواص و خط‌شکن ما شده است؛ همان غواصانی که دست‌های‌شان را با سیم خاردار بسته بودند و آنها را در حالی که اغلب زنده یا مجروح بودند در زیر خروارها خاک زنده به گور کرده و به شهادت رسانده بودند.

■ شما به متن بازجویی‌های آقای بشیری در دوران جنگ تحمیلی دسترسی داشتید؟ در این صورت، به نظر می‌رسد اگر چند نمونه از آنها را در کتاب می‌آوردید، برای مخاطب جذاب‌تر بود.

در مقدمه کتاب اشاره کردم نتوانستم به متن بازجویی‌های آقای بشیری در دوران جنگ تحمیلی دسترسی داشته باشم. فقط می‌دانستم بخشی از این بازجویی‌ها در مرکز اسناد کتابخانه ملی وجود دارد که اجازه دسترسی به بنده ندادند. در واقع اسناد مرتبط به بازجویی‌هایی که از اسرای عراقی صورت گرفته از وزارت امور خارجه به مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران منتقل شده و این مرکز، بنا به قانونی دست و پاگیر، تا ۴۰ سال بعد امکان بازدید، مطالعه یا هر گونه دسترسی به اسناد را از مراجعان سلب کرده است. آن زمان که من برای اخذ مجوز دسترسی به این اسناد در حال نامه‌نگاری‌های معمول اداری بودم، متوجه شدم این جابه‌جایی بتازگی انجام شده است اما با همه این اوصاف توانستم شرح یک متن بازجویی را از یک نشریه نقل قول کنم.

■ نظرتان درباره انتخاب کتاب «پوتین قرمزها» برای سومین دوره مسابقه کتابخوانی کتاب قهرمان چیست؟

به نظرم این کتاب از سوژه جذابی برای حضور در سومین دوره مسابقه کتابخوانی کتاب قهرمان برخوردار است، زیرا برای نخستین‌بار مقوله جنگ روانی در دوران ۸ ساله جنگ به طور مفصل موضوع کتابی می‌شود. این کتاب پتانسیل خوبی برای جذب مخاطب دارد؛ به لحاظ آنکه برای نخستین‌بار طیف وسیعی از اسرای رده بالای ارتش را می‌بینیم که چطور دوران اسارت‌شان را در ایران می‌گذرانند و اسارت آنها هیچ شباهتی به اسارت برادران ما در اردوگاه‌های عراقی نداشت. برخورد نیروهای ما با عراقی‌ها اغلب انسانی و به دور از رفتارهای خشن بوده است. تا امروز کتاب‌های زیادی از خاطرات اسرای ایرانی در عراق منتشر شده است که اغلب توصیف‌گر شکنجه‌ها، جنایات جنگی و رفتار غیرانسانی با نیروهای ایرانی است اما درباره روایت وضعیت اسرای عراقی در ایران، آثار چندانی منتشر نشده است، ضمن اینکه آنچه کتاب «پوتین قرمزها» را از سایر آثار از این دست متمایز می‌کند، پرداختن به اسارت فرماندهان ارشد رژیم بعثی است که در این حین به موضوعاتی چون نحوه اسارت، نحوه بازجویی و همکاری اسرا پرداخته شده است؛ در مجموع فکر کنم مطالعه این مسائل برای مخاطبان تازگی داشته باشد.

■ این مسابقه در شرایط کرونایی تا چه اندازه می‌تواند به ارتقای سطح کتابخوانی در کشور کمک کند؟

در شرایط کنونی «پوتین قرمزها» برای آن عده‌ای که امکانش را دارند و در خانه می‌مانند و اهل مطالعه بویژه مطالعه درباره جنگ تحمیلی هستند، می‌تواند انتخاب مناسبی باشد. مجمع ناشران انقلاب اسلامی، مؤسسه شیرازه، بسیج صداوسیما و سوره مهر برای معرفی کتاب «پوتین قرمزها» تلاش کردند. در حال حاضر کتاب چاپی در دسترس قرار دارد. همچنین کتاب صوتی و نسخه الکترونیک هم موجود است. امید دارم تلاش دوستانم بی‌نتیجه نماند و این کتاب مخاطبش را پیدا کند و خوانده شود.

■ شاید برای مخاطبان بد نباشد از آثار جدید شما پس از انتشار «پوتین قرمزها» باخبر باشند.

همزمان با انتشار پوتین قرمزها، رمان «زمستان سرد و شمعدانی‌های ترمه‌ای»ام منتشر شد. در حوزه جنگ بعد از کتاب «پوتین قرمزها»، کتاب خاطرات امیر تکاور محمدحسین محیطی را با عنوان «من یک کلاه‌سبزم» برای مخاطب گروه سنی نوجوان نوشتم. سپس کتاب «سپیدارهای آن سوی دوله‌تو» را نوشتم که محتوای آن برشی از زندگی دکتر ناصر حیدری است و داستانش در زندان حزب دموکرات کردستان می‌گذرد. کتاب دیگری هم دارم به اسم «پاییز پنجاه سالگی» با موضوع خاطرات سردار شهید محمد جمالی که از جمله شهدای مدافع حرم بوده است. شهید جمالی کسی است که در ایام دفاع‌مقدس نیز در جبهه حضور داشته است. ایشان بعد از اتمام دوران جنگ تحمیلی به منظور مقابله و جنگ با اشرار در سیرجان کرمان حاضر می‌شود تا اینکه سال ۱۳۹۲ به سوریه می‌رود و در دمشق هم به شهادت می‌رسد. مجموعه داستان «کوالای خاکستری» هم آخرین کتابی است که از من منتشر شده است.

■ وسخن پایانی...

در مجموع کتاب «پوتین قرمزها» از میان ۱۰ کتابی که تاامروز از من منتشر شده، این اقبال را داشته که با استقبال مخاطبان کتابخوان مواجه شود. امیدوارم برنامه‌ریزی مسابقات به آشنایی کتابخوانان با این کتاب کمک کند.

قصه دخل و خرج در محبوب‌ترین رئالیتی‌شو خانوادگی

پایان تولید فصل دهم «خانه ما» در قزوین

تولید فصل دهم مستند- مسابقه «خانه ما» به عنوان محبوب‌ترین رئالیتی‌شو خانواده‌های ایرانی در شهر قزوین به پایان رسید. به گزارش «وطن امروز»، پس از پخش قسمت ویژه «خانه ما کرونایی» در تابستان، تولید فصل دهم مستند- مسابقه «خانه ما» از اوایل فصل پاییز با رعایت کامل پروتکل‌های بهداشتی در شهر قزوین آغاز شد که پس از ۲ ماه کار در شرایط کاملا ویژه و رقابت ۳ خانواده، تصویربرداری این فصل با پایان جشن تولید دهمین فصل این مستند- مسابقه محبوب خانواده‌های ایرانی به پایان رسید. به‌رغم تولید فصل دهم «خانه ما» در شرایط کرونایی، کلیات برنامه نسبت به فصل‌های دیگر تفاوت زیادی پیدا نکرده اما مهم‌ترین تفاوت این فصل جریان داشتن کرونا در زندگی است و اینکه خانواده‌ها چگونه توانسته‌اند با وجود حضور این میهمان ناخوانده زندگی خود را مدیریت کنند و در کنار آن چند آیتم ویژه برای فصل دهم طراحی شده که موجب غافلگیری مخاطبان خواهد شد.

در فصل دهم مستند- مسابقه «خانه ما» ۳ خانواده در شهر باستانی قزوین به رقابت با یکدیگر می‌پردازند تا در پایان، خانواده برگزیده بر اساس پس‌انداز خود بتواند برنده جایزه ۱۰۰ برابری مبلغ پس‌انداز خود شود. «خانه ما» یک مستند- مسابقه یا «رئالیتی‌شو»ی خانوادگی است که با محوریت سبک زندگی، مدیریت هزینه‌ها و ایجاد و حفظ نشاط خانوادگی تولید و پخش می‌شود و مورد توجه خانواده‌ها قرار گرفته است.

در این مسابقه تلویزیونی، ۳ خانواده در یک بازه زمانی یک ماهه با مبلغی مشخص، ضمن انجام فعالیت‌های روزمره و تفریحات خانوادگی، باید در قالب یک کسب‌وکار خانوادگی درآمدزایی نیز داشته باشند. در فصل دهم «خانه ما» که به تهیه‌کنندگی احمد شفیعی در استودیو نوبین و با سرمایه‌گذاری سازمان هنری- رسانه‌ای اوج تولید شده است، امین کفاش و مسلم تهرانی به عنوان کارگردان، حسن ناحی مدیر تصویربرداری و محسن مرادی مجری طرح حضور دارند.

پرونده‌های فساد اقتصادی در شبکه مستند بازخوانی می‌شود

روایت فساد «یقه‌سفیدها» در «به نام قانون»

مستند «به نام قانون» درباره مفاسد اقتصادی ساخته شده و در هر قسمت سراغ یکی از پرونده‌های پرسروصدای فساد اقتصادی می‌رود. به گزارش «وطن امروز»، «به نام قانون» به کارگردانی محسن اسلام‌زاده مجموعه مستند جدید شبکه مستند سیماست که با همکاری مؤسسه شهید آوینی در ۸ قسمت تولید شده است. اسلام‌زاده با اشاره به سوژه این مستند گفت: «نزدیک به ۲ سال پیش ساخت مجموعه‌ای به نام «سرطان اجتماع» را آغاز کردم که نام فعلی آن «به نام قانون» است و قرار است از تلویزیون به نمایش دربیاید. این مجموعه درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی است و تلاش می‌کند به گلوگاه‌های فساد در کشورمان نزدیک شود. در این مجموعه مستند به موضوعی که به «فساد یقه‌سفیدها» شهرت پیدا کرده است، می‌پردازیم». این کارگردان و مستندساز درباره جزئیات این مجموعه مستند توضیح داد و گفت: «این مجموعه موضوع‌محور است و در هر قسمت ضمن پرداخت به آن موضوع، یک پرونده خاص که نمود بیرونی دارد را بررسی می‌کنیم. به عبارت دیگر، اینگونه نیست که فقط درباره خصوصی‌سازی صحبت کنیم بلکه در کنار صحبت درباره آن به یکی از پرونده‌های خصوصی‌سازی که در سالیان اخیر سروصدای زیادی نیز به پا کرده است، می‌پردازیم. در موضوع قاچاق و زمین‌خواری نیز سراغ چند پرونده مهم و کلان می‌رویم که در سال‌های اخیر پرحاشیه بوده است، البته در کنار این بررسی‌ها دنبال راهکار اصلاح هم هستیم».

او درباره تفاوت این مجموعه با دیگر مستندهایی که با سوژه‌های مشابه ساخته شده است، توضیح داد: «برای ساخت این مستند شیوه متفاوتی را انتخاب کردیم، مثلا تا جایی که می‌توانستیم از تصاویر آرشیوی اجتناب کردیم و بیش از ۹۰ درصد فیلم، تولیدی است. همچنین دوست داشتیم فرم جدیدتری را تجربه کنیم؛ به همین دلیل یاسر قدسی که راوی، محقق و پژوهشگر و نریتور است را انتخاب کردیم. با حضور او روایت اول شخص ارائه کردیم». قسمت اول مجموعه مستند به نام قانون با موضوع خصوصی‌سازی و با مرور پرونده ماشین‌سازی تبریز آماده پخش شد.

مستند

«دستمال سرخ‌ها» آماده نمایش شد

همزمان با سالروز شهادت اصغر وصالی، فرمانده شجاع گردان دستمال سرخ‌ها، مستند سینمایی «دستمال سرخ‌ها» با محوریت معرفی این شهید و چگونگی تشکیل این گردان چریکی به کارگردانی «حنظله تاج‌الدینی» آماده نمایش شد. به گزارش «وطن امروز»، نیروهای تحت فرماندهی شهید اصغر وصالی به دلیل بستن دستمال سرخ بر گردن‌شان به «گروه دستمال سرخ‌ها» شهرت داشتند. روز ۲۸ آبان سال ۱۳۵۹ همزمان با تاسوعای حسینی تصمیم گرفته شد عملیاتی برای روز عاشورا تدارک دیده شود. حوالی ظهر عاشورا علی‌اصغر وصالی در تنگه حاجیان در نزدیکی گیلان غرب از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستان اسلام‌آباد غرب و عمل جراحی مغز، بر اثر شدت جراحات به شهادت رسید. مستند سینمایی «دستمال سرخ‌ها» به کارگردانی حنظله تاج‌الدینی و تهیه‌کنندگی حسین اسدی‌زاده به روایت چگونگی شکل‌گیری گردان دستمال‌سرخ‌ها و شهادت شهید اصغر وصالی اشاره دارد. مستند سینمایی «دستمال سرخ‌ها» تولید شده در خانه مستند و محصول سازمان هنری- رسانه‌ای اوج است.

تلویزیون

ویژه‌برنامه «افق سینما» برای جشنواره مقاومت

ویژه‌برنامه «افق سینما» همزمان با روزهای پایانی جشنواره فیلم مقاومت روی آنتن سیما می‌رود. به گزارش «وطن امروز»، برنامه تلویزیونی «افق سینما» همزمان با روزهای پایانی جشنواره فیلم مقاومت به مدت ۸ روز از شبکه افق سیما به نمایش درخواهد آمد. در این ویژه‌برنامه فیلمسازان سینمای دفاع‌مقدس و انقلاب اسلامی، مسؤولان فرهنگی، کارشناسان و منتقدان میهمان «افق سینما» خواهند شد. این ویژه‌برنامه از جمعه ۳۰ آبان‌ماه به مدت ۸ روز از ساعت ۱۶ میهمان خانه‌های مردم خواهد شد. اجرا و سردبیری برنامه افق سینما را سعید الهی، کارشناس سینما و رسانه و تهیه‌کنندگی آن را علی‌اکبر کرد عهده‌دار خواهند بود.

کتاب

چاپ هشتم کتاب شهید مدافع حرم رسول خلیلی

چاپ هشتم کتاب «رفیق مثل رسول» روایت زندگی شهید مدافع حرم رسول خلیلی همزمان با سالروز شهادت این شهید عزیز توسط انتشارات شهید کاظمی روانه بازار شد. به گزارش «وطن امروز»، کتاب «رفیق مثل رسول» به زندگی و خاطرات شهید رسول خلیلی از شهدای مدافع حرم پرداخته است. با توجه به اینکه این شهید دست‌نوشته‌های زیادی دارد، کتاب از زبان خود رسول به رشته تحریر درآمده است. همچنین طیف دوستان این شهید زیاد هستند. حسن خلق رسول که آدم‌ها با هر طیف و سن و موقعیتی را جذب می‌کرده، دلیل انتخاب نام کتاب شده است. از نکات زیبای زندگی این شهید و رفاقت‌هایش این است که چندین نفر از دوستانش همانند بیضایی، محمدخانی، دهقان و... در دفاع از حرم به شهادت رسیدند و این یکی از ثمرات این رفاقت‌ها بود. چاپ هشتم کتاب «رفیق مثل رسول» در ۱۹۲ صفحه به قلم شهلا پناهی، همزمان با سالروز شهادت این شهید توسط انتشارات شهید کاظمی روانه بازار شد.

خبر

تمدید مهلت ارسال آثار به جشنواره جهانی هنر مقاومت

زمان ارسال آثار به جشنواره جهانی هنر مقاومت تمدید شد. به گزارش «وطن امروز»، مهدی علی‌بخشی، مدیر روابط عمومی جشنواره جهانی هنر مقاومت با اشاره به تعویق مهلت دریافت آثار در جشنواره به دلیل گسترش روزافزون شیوع ویروس کرونا در گفت‌وگو با سایت جشنواره گفت: با توجه به بروز مشکلات فراوانی که به سبب شیوع ویروس منحوس کرونا گریبان جهان را گرفته است و همچنین دشواری تولید آثار هنری و بنا به درخواست جمعی از هنرمندان حوزه تجسمی و موافقت مسعود نجابتی، دبیر کل جشنواره، مهلت ارسال آثار برای ششمین جشنواره جهانی هنر مقاومت تا ۱۵ دی‌ماه سال جاری تمدید خواهد شد. او همچنین درباره میزان استقبال هنرمندان از این دوره نیز گفت: در این دوره به‌رغم محدودیت‌هایی که وجود داشت، خوشبختانه تاکنون تعداد قابل توجهی اثر به دبیرخانه جشنواره رسیده و این تمدید زمان ارسال آثار بنا به درخواست متعدد هنرمندان بوده و پیش‌بینی ما حاکی از استقبال قابل توجه هنرمندان در این دوره است.

سینمای جهان

تارانتینو «روزی روزگاری در هالیوود» را در قالب رمان منتشر می‌کند

کوئنتین تارانتینو برای نوشتن رمانی با اقتباس از فیلم «روزی روزگاری در هالیوود» با هارپر کالینز قرارداد بست. به گزارش مهر به نقل از ورایتی، کوئنتین تارانتینو برای نوشتن ۲ کتاب با هارپرکالینز قرارداد بسته که یکی از آنها رمانی اقتباسی از جدیدترین فیلمش و دیگری کتابی غیرداستانی با عنوان «اندیشه سینما» است. تارانتینو به این ترتیب فیلم اسکاری «روزی روزگاری در هالیوود» را در قالب یک رمان منتشر خواهد کرد. این نخستین تلاش این کارگردان برای نوشتن رمان است و قرار است این کتاب تابستان ۲۰۲۱ منتشر شود. این رمان به صورت مستقیم بازگویی فیلم نخواهد بود، بلکه دربرگیرنده داستان اصلی تارانتینو است و به گفته ناشر آن، روایتی تازه، جذاب و شوک‌آور از فیلم خواهد بود. «روزی روزگاری در هالیوود» موفق به کسب ۱۰ نامزدی اسکار شد و برد پیت برای بازی در نقش بوت، اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل را دریافت کرد.